



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳

جلسه بیست و یکم؛ سه شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۹ (فقه معاصر - جلسه ۴)

روایات متعدده دیگری نیز وجود دارد که وقتی از صدقه سؤال می شود، می فرماید «قال رسول الله ﷺ: فِي تِسْعَةٍ^۱» و در ذیل هم می فرماید «وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» که با توجه به صدر، ظاهرش این است که خود حضرت عفو کردند و یا در بعض روایات دیگر می فرماید: «وَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» و نیز «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ»^۲، همچنین روایات دیگری نیز وجود دارد که می تواند قرینه بر مطلب باشد که إن شاء الله این روایات را بعداً خواهیم خواند.

بدین جهت با توجه به قرینه خارجی می توان گفت ضمیر «عفا» در روایت عبدالله بن سنان می تواند به خود حضرت برگردد. علاوه آنکه می شود فرض کرد «عفا الله» با «عفا رسول الله» تفاوتی با هم ندارند؛ چراکه پیامبر ﷺ احکام را جز از ناحیه خداوند متعال بیان نمی کند، و لذا در یک جا نسبت به حضرت داده شده و در جای دیگر نسبت به خداوند متعال داده شده است. نظیر اینکه قرآن کریم در یک جایی می فرماید: ﴿اللَّهُ

۱. وسائل الشیعه، ج ۹، کتاب الزکاة، ابواب ما تجب فیہ الزکاة و ما تستحب فیہ، باب ۸، ح ۱۷، ص ۶۰ و مسائل علی بن جعفر، ص ۱۱۶:

علی بن جعفر فی کتابه عن أخیه موسى بن جعفر رضی الله عنهما قال: سألتُه عن الصدقة فیما هی؟ قال: قال رسول الله ﷺ: فی تسعة الحنطة و الشعیر و التمر و الزبیب و الذهب و الفضة و الإبل و البقر و العنم و عفا عما سوی ذلك.

۲. همان، ح ۱۲، ص ۵۸ و تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۴:

و عنه [محمّد بن الحسن بإسناده عن علی بن الحسن بن فضال] عن محمد بن عبید الله بن علی الحلبي و العباس بن عامر جميعاً عن عبد الله بن بكير عن محمد بن الطيار قال: سألت أبا عبد الله رضی الله عنهما عما تجب فیہ الزکاة فقال: فی تسعة أشياء الذهب و الفضة و الحنطة و الشعیر و التمر و الزبیب و الإبل و البقر و العنم و عفا رسول الله ﷺ عما سوی ذلك. فقلت: أضلحك الله فإن عندنا حبا كثيراً. قال فقال: و ما هو؟ قلت: الأرز. قال: نعم ما أكثره. فقلت: أ فیہ الزکاة قریني؟ قال ثم قال أقول: لك إن رسول الله ﷺ عفا عما سوی ذلك و تقول لي إن عندنا حبا كثيراً أ فیہ الزکاة.

يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا^۳ قبض روح و موت را نسبت به خداوند متعال می‌دهد، و در جای دیگر نسبت به ملائکه می‌دهد ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ﴾^۴ و بالخصوص ملك الموت ﴿قُلْ يَتَوَفَّكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾^۵. و اینکه نسبت به فرشتگان داده شده به این جهت است که به امر خداوند متعال و طبق قضاء و تقدیر الهی این کار را انجام می‌دهند. خلاصه اینکه در مورد زکات هم این احتمال وجود دارد و بدین جهت «عفا» هم به خداوند متعال نسبت داده شده و هم به پیامبر اکرم ﷺ. اما اینکه کدام یک از این دو ملاک وضع زکات است، فعلاً درصدد بررسی آن نیستیم و غرض این بود که به این نکته توجه دهیم که وجوب زکات بر نه چیز، قابل مناقشه نیست؛ چراکه روایت تصریح می‌کند «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ» و ظاهرش هم این است که مستقیم خداوند متعال آن را واجب کرده است.

اهمیت زکات

زکات اهمیت فوق العاده‌ای دارد و این امر واضحی است، منتها چون این مطلب در آنچه که بعداً می‌خواهیم متعرض شویم تأثیر دارد، لذا فی الجمله مطالبی درباره آن ذکر می‌کنیم و می‌گوییم: در آیات متعدده‌ای خداوند متعال زکات را با صلوات قرین کرده است و در روایات متعدده هم اشاره به این نکته شده است که خداوند متعال زکات را به صلوات قرین کرده و اگر کسی نماز را اقامه کند اما زکات نپردازد، مانند این است که نماز را انجام نداده است؛ نمازی که آنقدر مهم است که عمود دین شمرده شده است. از جمله از امام باقر علیه السلام در روایتی آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ: وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ»^۶

۳. سوره مبارکه زمر، آیه ۴۲.

۴. سوره مبارکه نساء، آیه ۹۷.

۵. سوره مبارکه سجده، آیه ۱۱.

۶. وسائل الشیعة، ج ۹، کتاب الزکاة، ابواب ما تجب فيه الزکاة و ما تستحب فيه، باب ۳، ح ۲، ص ۲۲ و من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰ و

الکافی، ج ۳، ص ۵۰۶:

و [مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ حَرْبُودَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ.

و رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ حَرْبُودَ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ حَذَفَ لَفْظَ

همانا خداوند تبارک و تعالی زکات را با نماز قرین کرده و فرموده: نماز را به پا دارید و زکات بپردازید. پس کسی که نماز بخواند ولی زکات ندهد مانند این است که نماز نخوانده است.

همچنین روایت دیگری می‌فرماید:

و [مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ شَيْئًا إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُعْبَانًا مِنْ نَارٍ مُطَوَّقًا فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» يَعْنِي مَا بَخِلُوا بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

و رَوَاهُ الْكُلَيْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مِهْرَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مِثْلَهُ.^۷

هیچ عبدی نیست که چیزی از زکات مالش منع کند مگر اینکه خداوند آن را در روز قیامت اژدهایی از آتش قرار می‌دهد که در گردنش طوق می‌زند و گوشت بدون او را گاز می‌گیرد تا اینکه از حساب فارغ شود. و این همان قول خداوند متعال در قرآن کریم است که می‌فرماید «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» یعنی آنچه از زکات که به آن بخل ورزیده است.

این روایت را هم جناب صدوق نقل کرده و هم مرحوم کلینی عَلَيْهِ السَّلَامُ. سند مرحوم کلینی به این روایت تمام است، اما سند جناب صدوق در *مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه* ناتمام است. البته مرحوم صدوق این روایت را در *عِقَابِ الْأَعْمَالِ* نیز نقل کرده که سندش تمام است.

همچنین روایات متعدده دیگری وجود دارد که اهمیت زکات را بیان می‌کنند، و هرچند سند بسیاری از این روایات به حسب صناعت تمام نیست، اما مجموع این روایات را که انسان کنار هم می‌گذارد، اهمیت زکات واضح می‌شود. مضاف به اینکه سند بعضی دیگر از این روایات نیز تمام است. از جمله روایتی که مرحوم صدوق در *ثَوَابِ الْأَعْمَالِ* نقل کرده که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَمَا تَلَفَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِمَنْعِ

الزَّكَاةِ.^۸

اموالتان را در حصن زکات قرار دهید و بیمارانتان را با صدقه مداوا کنید، و هیچ مالی در خشکی و دریا تلف نشد مگر به منع [صاحبش] از زکات.

یا روایت ابن مسکان که نقل می‌کند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پنج نفر را از مسجد به خاطر منع از زکات بیرون کردند:

بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ
فَقَالَ: أَخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تَصَلُّوا فِيهِ وَأَنْتُمْ لَا تَزُكُّونَ.^۹

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد حضور داشتند و قیام کردند و فرمودند: فلانی بلند شو، فلانی بلند شو، فلانی بلند شو تا اینکه پنج نفر را از مسجد بیرون کردند. سپس فرمودند: از مسجد ما خارج شوید و در آن نماز نخوانید؛ زیرا شما زکات نمی‌دهید.

در مصححه ابوبصیر نیز آمده است:

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ
أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لَا يُزَكَّى.^{۱۰}

ابوبصیر می‌گوید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کردند که فرمودند: مالی که زکات آن پرداخت نشده بسیار ملعون است.

۸. همان، ص ۴۶:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الشَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَفْرُو بْنِ شَيْمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ...

۹. وسائل الشیعة، ج ۹، کتاب الزکاة، ابواب ما تجب فيه الزکاة و ما تستحب فيه، باب ۳، ح ۷، ص ۲۴ و من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۲ و

الکافی، ج ۳، ص ۵۰۳ و تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۱:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ فَقَالَ: أَخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تَصَلُّوا فِيهِ وَأَنْتُمْ لَا تَزُكُّونَ.

وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ يَرْفَعُهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ وَ رَوَاهُ الْفَيْدُ فِي الْمُفْتَعَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ مِثْلَهُ.

۱۰. همان، ح ۱۴، ص ۲۶ و الکافی، ج ۳، ص ۵۰۴.

و نیز روایت دیگری - که سندش به خاطر نوفلی ناتمام است - می فرماید:

«مَا حَبَسَ عَبْدٌ زَكَاةً فَرَادَتْ فِي مَالِهِ»^{۱۱}

هیچ بنده‌ای با حبس زکات، مالش افزون نشد.

همچنین روایتی که می فرماید:

«مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ سَأَلَ الرَّجْعَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ

صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ»^{۱۲}

کسی که زکات نپردازد هنگام مرگ درخواست بازگشت به زندگی می کند و این کلام خداوند است که فرمود: پروردگارا مرا بازگردان تا برای جبران آنچه فروگذار کردم اعمال صالح انجام دهم.

و نیز روایتی که می فرماید:

«مَا مِنْ مَالٍ يُصَابُ إِلَّا بَتَرَكَ الزَّكَاةَ»^{۱۳}

هیچ مالی آسیب نمی بیند مگر به ترک زکات.

و نیز روایات متعدد دیگری که در این زمینه وارد شده است. به هر حال در اهمیت زکات همین مقدار کافی است که در قرآن کریم لفظ زکات متعدد تکرار شده و در بسیاری از موارد قرین صلات ذکر شده است.

این مطلب را هم تذکر دهیم که در بعض روایات - هرچند از لحاظ سند ناتمام است - آمده است که «مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَ فِيهَا تَهْلِكُ عَامَّتُهُمْ»^{۱۴} یعنی هیچ چیز بر این امت

۱۱. همان، ح ۱۵ و الکافی، ج ۳، ص ۵۰۶:

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا حَبَسَ عَبْدٌ زَكَاةً فَرَادَتْ فِي مَالِهِ».

وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ.

۱۲. همان، ح ۱۶ و الکافی، ج ۳، ص ۵۰۴:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ سَأَلَ الرَّجْعَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ».

۱۳. همان، ح ۲۰، ص ۲۸ و الکافی، ج ۳، ص ۵۰۵:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْعَاصِمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطَ عَنْ أَشْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ سَالِمِ مَوْلَى أَبَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا مِنْ طَيْرٍ يُضَادُّ إِلَّا بَتَرَكَهُ التَّشْبِيحُ وَ مَا مِنْ مَالٍ يُصَابُ إِلَّا بَتَرَكَ الزَّكَاةَ.

۱۴. همان، ح ۱۸، ص ۲۸ و الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷ و امالی (للطوسی)، ص ۶۹۳:

سخت‌تر از زکات واجب نشده و عموم امت در این امر هلاک می‌شوند.

به هر حال اهمیت زکات روشن است و زکات همانند نماز بوده و یک امر قطعی در اسلام است به گونه‌ای که اگر کسی منکر اصل زکات شود، مانند این است که منکر اصل صلوات شده باشد. و در صورتی که منکر زکات آشنایی با قرآن کریم داشته باشد، مرتد می‌شود؛ چراکه زکات جزء ضروریات دین اسلام است. بله، اگر فرد منکر آشنایی با قرآن کریم نداشته باشد، آن حرف دیگری است. اما اگر کسی منکر اصل زکات نشود ولی عملاً آن را نپردازد، مستحق تعزیر است و حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر کند و اگر خیلی لجاجت کرد، ممکن است در مراحل تعزیرش بیشتر شود و اگر بعد از تعزیر باز هم اباء کرد، چه‌بسا کسی قائل شود می‌توان او را کشت که فقهاء این بحث‌ها را در جای خودش متعرض شده‌اند.

چه‌بسا شبهه شود زکات با این اهمیتی که دارد، چرا فقط منحصر در غلات اربعه، انعام ثلاثه و نقدین - آن هم با آن معنای ضیقی که برای نقدین قبلاً بیان کردیم - باشد [بلکه در بقیه چیزها هم باید باشد].

می‌گوییم: گرچه اینجا محل مناسبی برای رسیدگی به این شبهه نیست، منتها برای اینکه مقداری از حدت اشکال در ذهن بعضی‌ها کاسته شود، روایتی در این باره ذکر می‌کنیم. البته ما در بحث‌های گذشته به این مطلب اشاره کرده بودیم که پرداخت‌های مالی در اسلام مختص به زکات نیست و اینچنین نبوده که اگر در بعضی مقاطع تاریخی یا مقاطع جغرافیایی، موضوع برای زکات نبود، درآمدهای جامعه اسلامی تعطیل شده باشد، بلکه همان‌طور که اشاره شد و ان شاء الله بعداً هم با یک تحلیل جامعی خواهیم گفت، درآمدهایی که در جامعه اسلامی وجود دارد یکدیگر را تکمیل می‌کنند؛ یعنی این درآمدها پویا هستند و به حسب تغییر شرایط، عملکرد پرداخت‌های مالی هم تغییر می‌کند، لذا هم می‌تواند یک جامعه ابتدایی را که مثل عشایر سابق زندگی می‌کنند پوشش دهد و هم یک جامعه پیشرفته را. بنابراین اگر درآمدهای اسلامی در یک بخشی کاهش یابد، به طور خودکار از درآمدهای دیگر تکمیل می‌شود، منتها افراد باید با یک اشرافی به این مسئله توجه کنند و بدون اشراف نمی‌شود.

به هر حال برای اینکه مقداری از حدت این شبهه کاسته شود، روایتی در این زمینه می‌خوانیم که از لحاظ سند صحیح می‌باشد.

وَ عَنْهُمْ [فَحَمَدُ بْنُ يُعْقُوبَ عَنْ عَدَةَ بْنِ أَصْحَابِنَا] عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَ فِيهَا تَهْلِكُ عَائِلَتُهُمْ. وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ فِي الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ الْآتِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَنبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى نَحْوَهُ.

- صحیحہ ابوبصیر:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُنْتَنَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا أَسْمَعُ قَالَ:
أَعْطَى قَرَابَتِي زَكَاةَ مَالِي وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَ قَالَ فَقَالَ لَا تُعْطِ الزَّكَاةَ إِلَّا مُسْلِمًا وَ أَعْطِهِمْ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ
ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أ تَرَوْنَ أَنَّمَا فِي الْمَالِ الزَّكَاةُ وَ حَدَّهَا مَا فَرَضَ اللَّهُ فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ
أَكْثَرَ تُعْطَى مِنْهُ الْقَرَابَةُ وَ الْمُعْتَرِضَ لَكَ مِمَّنْ يَسْأَلُكَ فَتُعْطِيهِ مَا لَمْ تَعْرِفْهُ بِالنَّصَبِ فَإِذَا عَرَفْتَهُ
بِالنَّصَبِ فَلَا تُعْطِيهِ إِلَّا أَنْ تَخَافَ لِسَانَهُ فَتَشْتَرِيَ دِينَكَ وَ عَرِضَكَ مِنْهُ.^{١٥}

ابوبصیر می گوید مردی از خدمت حضرت سؤال کرد در حالی که من گوش می دادم. خدمت حضرت
عرض کرد: به بستگانم زکات مالم را می دهم در حالی که معرفت [ولایت شما را] ندارند. حضرت
فرمودند: زکات را به غیر از مسلمانی [که ولایت ما را پذیرفته] پرداخت نکن و از غیر زکات به آنها بده.
سپس امام صادق عليه السلام فرمودند: آیا می پندارید در مال فقط زکات به تنهایی واجب است؟! [بلکه] آنچه
خداوند در مال از غیر زکات واجب کرده، بیشتر از زکات است. از آن غیر زکات به نزدیکانت می دهی
و کسی که از تو درخواست می کند. پس به او تا زمانی که دشمنی با ما را از او نفهمیدی می دهی، پس
اگر دشمنی او با ما را فهمیدی دیگر به او مده، مگر آن که از زبانش بترسی، که در آن صورت با آن [مال
زکات] دین و آبروی خود را می خری.

مرحوم کلینی عليه السلام این روایت را از احمد بن محمد بن محمد نقل می کند که مراد یا احمد بن محمد بن عیسی است
یا احمد بن محمد بن خالد که هر دو ثقة هستند. علی بن الحکم الانباری^{١٦} و مثنی بن حمید الحناط و
ابوبصیر هم ثقة اند. بنابراین سند کلینی تمام است. شیخ طوسی^{١٧} عليه السلام نیز این روایت را از طریق مرحوم کلینی
نقل کرده و شیخ مفید هم مرسلاً در *المقنعة*^{١٨} نقل کرده است.

١٥. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ٣، ص ٥٥١.

١٦. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، ج ١٢، ص ٤٢٥؛

أقول: هو متحد مع من بعده، فإن علي بن الحكم بن الزبير هو الأنباري، علي ما تقدم عن النجاشي في ترجمة صالح بن خالد المحاملي.

✓ الفهرست (للشيخ الطوسي)، ص ٨٧؛

علي بن الحكم الكوفي، ثقة جليل القدر، له كتاب، أخبرنا به جماعة عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه عن أبيه عن محمد بن أحمد بن
هشام عن محمد بن السندي عنه، و رواه محمد بن علي عن أبيه، و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عنه، و أخبرنا به ابن
أبي جيد عن ابن الوليد عن الصفار و أحمد بن إدريس، و الحميري، و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عنه.

١٧. تهذيب الاحكام، ج ٤، ص ٥٥.

١٨. المقنعة، ص ٤٤.

حضرت در این روایت می‌فرماید: «مَا فَرَضَ اللَّهُ فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ أَكْثَرَ» یعنی آنچه خداوند در مال از غیر زکات واجب کرده، بیشتر از زکات است. و سپس متعرض بعض موارد غیر زکات می‌شوند و قاعداً این عبارت حضرت، خمس و نیز پرداخت‌های مالی دیگر را هم شامل می‌شود؛ زیرا خمس هم جزء «مَا فَرَضَ اللَّهُ» است؛ چنانچه خداوند متعال فرموده ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾^{۱۹}؛ آن هم با آن معنای وسیعی که ﴿غَنِمْتُمْ﴾ دارد که مقصود هر چیزی است که انسان نداشته باشد و آن را به دست آورد؛ کما اینکه در روایتی تعبیر به «كُلُّ مَا أَفَادَ النَّاسُ»^{۲۰} شده است؛ یعنی هر چیزی که مردم استفاده ببرند.

بنابراین اگر در زمان یا مکانی زکات کم شود، پرداخت‌های دیگر از جمله خمس آن را تکمیل می‌کند، و معلوم است که خمس حداقل در بعضی از موارد یا اکثر موارد، بیشتر از زکات است.

بررسی منابع و مصادیق زکات

یکی از بحث‌هایی که باید بررسی شود آن است که زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟ گفته‌اند^{۲۱} به اجماع همه مسلمین یعنی اعم از شیعه و سنی، زکات در نه چیز (غلات اربع، انعام ثلاثه و نقدین) با شرایط خاصی واجب است، که بررسی آن شرایط هم به اندازه اصل زکات مهم است. روایات متعدده‌ای در این زمینه وجود دارد تا آنجا که صاحب جواهر^{۲۲} مدعی شده این روایات به حد تواتر

۱۹. سوره مبارکه انفال، آیه ۴۱.

۲۰. وسائل الشیعة، ج ۹، کتاب الخمس، ابواب ما يجب فيه الخمس، باب ۸، ح ۲، ص ۵۰۳ و الکافی، ج ۱، ص ۵۴۵: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْخُمْسِ فَقَالَ: فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ.

۲۱. منتهی المطلب في تحقيق المذهب، ج ۸، ص ۳۷:

تجب الزكاة في تسعة أصناف هي: إنعام، و أثمان، و أثمار.

فالأنعام ثلاثة: الإبل، و البقر، و الغنم.

و الأثمان: الذهب، و الفضة.

و الأثمار: الحنطة، و الشعير، و التمر، و الزبيب.

و قد اتفق علماء الإسلام على وجوب الزكاة في هذه الأصناف، و لا تجب في غيرها.

۲۲. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۱۵، ص ۶۵:

تجب الزكاة في الأنعام: الإبل و البقر و الغنم، و في الذهب و الفضة، و الغلات الأربع: الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب بناء على أنهما محل الزكاة لا البسر و الحصرم بلا خلاف أجده فيه بين المسلمين فضلا عن المؤمنين، بل هو من ضروريات الفقه إن لم يكن من ضروريات الدين و النصوص به

رسیده‌اند.

البته بعضی‌ها در مثل کلام صاحب جواهر رحمته الله مناقشه کرده‌اند که این روایات در حد تواتر نیستند، بلکه فقط از طریق شیخ طوسی، مرحوم کلینی و جناب صدوق رحمته الله به دست ما رسیده و از طریق دیگری نرسیده است. اما این اشکال وارد نیست؛ خصوصاً اگر منابع اهل تسنن را هم ضمیمه کنیم و به مجموع این روایات نگاه شود. وانگهی بعضی از طرق شیخ صدوق رحمته الله جدای از طرق شیخ طوسی و کلینی رحمته الله است، کما اینکه بعضی طرق شیخ طوسی و مرحوم کلینی نیز جداست. بدین جهت بعید نیست با صرف نظر از این اصحاب کتب اربعه بیش از سه نفر نیستند، این اخبار در حد تواتر باشند و اگر هم در حد تواتر نباشند، لااقل به اندازه‌ای هستند که اطمینان نزدیک به یقین برای انسان حاصل می‌شود. گرچه روایت‌های این سه بزرگوار هر یک مستقلاً نسبت به مطلبی بعید نیست در شرایط عادی یقین آور باشد.

روایاتی که بیان می‌کند زکات در نه چیز واجب است

۱. صحیحۀ عبدالله بن سنان:

متن و سند این روایت را قبلاً بررسی کردیم و لذا دیگر تکرار لازم نیست. حضرت در این صحیحۀ فرمودند: «فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْأَبْلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَمِنَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَ الزَّيْبِ»^{۲۳}

۲. حسنۀ کالصحیحۀ فضلاء:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ وَ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ كُلَّهُمْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا: فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَبْلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.^{۲۴}

سند این روایت تمام است و پنج نفر از اصحاب اجماع آن را از امام باقر و امام صادق عليه السلام نقل

مع ذلك متواترة كتواترها في أنه لا تجب فيما عدا ذلك.

۲۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳ و الكافي، ج ۳، ص ۴۹۷.

۲۴. وسائل الشيعة، ج ۹، كتاب الزكاة، أبواب ما تجب فيه الزكاة، باب ۸، ح ۴، ص ۵۵ و الكافي، ج ۳، ص ۵۰۹.

می‌کنند. و به خاطر پدر علی بن ابراهیم یعنی ابراهیم بن هاشم، از آن تعبیر به حسنه کالصحیحه یا مصححه می‌شود.

این روایت بیان می‌کند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زکات را در نه چیز واجب کردند. این روایت جزء مواردی است که ضمیر «عفا» به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برمی‌گردد؛ چراکه معطوف بر «سَنَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» می‌باشد.

۳. روایت ابوبکر الحضرمی:

وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ وَالدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَعَفَا (رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.^{۲۵}

سند این روایت به خاطر اسماعیل بن مرار و ابی بکر الحضرمی ناتمام است.

۴. صحیحه علی بن مهزیار:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ وَالدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْغَنَمِ وَالْبَقَرِ وَالْإِبِلِ وَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْقَائِلُ: عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ بِأَضْعَافِ ذَلِكَ فَقَالَ: وَمَا هُوَ؟ فَقَالَ لَهُ: الْأَرْزُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَتَقُولُ عِنْدَنَا أَرْزٌ وَعِنْدَنَا ذُرَّةٌ وَقَدْ كَانَتْ الذَّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَوْقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَذَلِكَ هُوَ وَالزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ الْحَدِيثِ.

وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ.^{۲۶}

علی بن مهزیار می‌گوید: در نامه عبدالله بن محمد به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ خواندم که چنین آمده بود؛ فدایتان

۲۵. همان، ح ۵ و الکافی، ج ۳، ص ۵۰۹.

۲۶. همان، ح ۶؛ الکافی، ج ۳، ص ۵۱۰ و تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۵.

شوم از امام صادق ع روایت شده که فرمودند: رسول خدا ص زکات را بر نه چیز قرار داد؛ گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر و از غیر این اشیاء عفو کردند. کسی خدمت امام صادق ع عرض کرد: اجناس زیاد دیگری نزد ما وجود دارد که چندین برابر موارد مذکور است. حضرت فرمودند: چه چیزی است؟ عرض کرد: برنج. حضرت فرمودند: به تو می‌گویم رسول خدا ص زکات را بر نه چیز قرار داد و از غیر آن عفو کردند و تو می‌گویی نزد ما برنج و ذرت است، در حالی که در زمان رسول خدا ص هم ذرت وجود داشته [و زکات را در آن واجب نکرده است]! امام رضا ع در پاسخ عبدالله بن محمد نوشتند، این روایت صحیح است و زکات بر هر چیزی است که با صاع کیل می‌شود.

این روایت از لحاظ سند تمام است و مهم نیست مقصود از عبدالله بن محمد چه شخصی باشد؛ چراکه علی بن مهزیار شهادت می‌دهد که چنین نامه‌ای به امام نوشته شده و حضرت هم اینچنین جواب دادند. دلالت این روایت بر اینکه در نه چیز زکات واجب است تمام است، منتها حضرت در ذیل روایت عبارتی دارند که محل بحث است. می‌فرمایند: «وَالزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ»؛ یعنی زکات در هر مالی است که با صاع - حدود سه کیلو - کیل می‌شود و این قاعده کلی حتی ارز و ذرت را هم شامل می‌شود با اینکه نص روایت این بود که زکات آنها واجب نیست. بنابراین عبارت مذکور باید توجیه شود و یکی از وجه جمع‌هایی که گفته شده این است که عبارت مذکور حمل بر استحباب می‌شود.

آیا زکات در غیر نه چیز معهود واجب است؟

بحث دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا در غیر نه شیء معهود، زکات واجب است یا خیر؟ در اینجا احتمالاتی ذکر شده که بعضی از آنها قائل هم دارد، از جمله گفته شده هر چیزی که کیل می‌شود زکاتش واجب است، یا زکات حبوب واجب است....

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی